

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
A Conceptual Model of the Relationship between Human Being and the Urban Environment in the Perception Process
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

مدل مفهومی رابطه انسان و محیط شهری در فرایند ادراک بر پایه آرای فلاسفه ایرانی*

مریم استادی**

استادیار گروه شهرسازی، مرکز تحقیقات معماری و شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۱

چکیده

بیان مسئله: ادراک فضا، بر پایه رابطه دوسویه انسان و محیط و در پی یک فرایند تدریجی شکل می‌گیرد. موضوع ادراک فضا با تمامی دانش‌هایی که دغدغه آنان آفرینش مکان زیست‌نیکو برای انسان است پیوند داشته و ریشه در ادبیات تخصصی علوم محیطی دارد، اما مفهوم ادراک به عنوان موضوعی شناخت‌شناسانه مورد توجه دیگر گستره‌های دانش از جمله فلسفه هست، ولی که کم‌تر مورد اقبال پژوهشگران دانش محیطی بوده است. آگاهی از چیستی ادراک و تبیین سازوکار آن و نقشی که در شناخت هستی دارد از دیرباز مورد توجه فیلسوفان نیز بوده است. بازگشت به آرای فیلسوفان سرزمین‌مان برای شفاف‌سازی مفهوم و فرایند ادراک و کاربرد آن در دانش طراحی محیط شهری موضوع اصلی این پژوهش است. میزان کارآمدی نظرات فلاسفه برای شفاف‌سازی ویژگی‌های ادراک و مراتب آن و چگونگی فرایند ادراک فضای شهری مبتنی بر آن مورد سؤال این نوشتار است.

هدف پژوهش: هدف این پژوهش بهره‌گیری از آرای فیلسوفان ایرانی برای بازشناسی مفهوم ادراک و ویژگی‌های کاربردی آن در طراحی محیط است.

روش پژوهش: این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و برگرفته از مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل متون و کاوش در اندیشه فیلسوفان گزیده به‌شیوه استدلال منطقی است و به استنتاج موضوع ادراک از دو بُعد ماهوی (سرشت ادراک) و رویه‌ای (ساختار و فرایند آن) در گستره دانش فلسفه و کارآمدسازی آن در گستره دانش طراحی شهری می‌پردازد.

نتیجه‌گیری: نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که بهره‌مندی از اندیشه‌های فیلسوفان ایرانی در شفاف‌سازی ماهیت و ویژگی‌های چهارگانه ادراک شامل: فرایندی بازآفرینانه، اثرپذیری، کنشگری و پویایی و نیز تدقیق ساختار فرایند ادراک محیط شهری سودمند است. این نوشتار در پایان با بهره‌گیری از دو پایگاه نظری فلسفه و طراحی شهری به صورت‌بندی مدل مفهومی «رابطه ادراکی انسان و شهر» پرداخته و کارکرد و برون‌داد هر مرتبه از فرایند ادراک را معرفی می‌کند.

واژگان کلیدی: فرایند ادراک، فلسفه، ادراک حسی، ادراک عقلی، محیط شهری.

مقدمه و بیان مسئله

موضوع ادراک (اندریافت)^۱ یکی از مفاهیم بنیادین در حوزه معرفت‌شناسی است. ورود به موضوع شناخت و آگاهی انسان نسبت به جهان بدون راهیابی به موضوع ادراک ناشدنی است.

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با موضوع «چارچوب ضوابط و مقررات منظر شهری با رویکرد اسلامی-ایرانی» که در سال ۱۴۰۱ با شهرداری مشهد به شماره ۲۶۸۴۲۵/۱۴۰۱/۲۲ انجام شده است.

** ostadimr@gmail.com ، ۰۹۱۵۱۱۰۰۱۸۰

ادراک محل تلاقی بحث‌ها و پژوهش‌های گوناگونی است که هر یک می‌تواند جنبه‌ای از اسرار حیات فکری و عقلانی انسان را کشف کند و ورای کلیه مفاهیم علمی ادراک، مفهوم فلسفی آن قرار دارد. «موضوعاتی مانند ادراک که فهم آن از پیچیدگی‌هایی برخوردار است برای اندیشه‌های فلسفی میدانی باقی خواهد گذارد تا عقل بتواند غایت معرفت را برای خود بسنجد و در ضمن این معرفت فلسفی آن‌چه را در خود

و هریک بنیان‌گذار مهم‌ترین مکاتب فلسفی شرق بوده‌اند. پورسینا سردمدار حکمت سینوی و فلسفه مشایی، سهروردی بنیان‌گذار حکمت اشراق و ملاصدراى شیرازی پایه‌گذار حکمت متعالیه.

حکیم بوعلی سینا در تعریف اندریافت چنین می‌گوید: «کل ادراک انما هو اخذ صوره المدرک بنحو من الانحاء» (ادراک دریافت صورت درک‌شونده به‌گونه‌ای از روش‌ها است) (بوعلی سینا، ۱۳۳۱؛ فعالی، ۱۳۷۶) هم‌چنین در «تعلیقات» وی ادراک را، پیدایی صورت درک‌شونده در ذات درک‌کننده می‌داند (بوعلی سینا به نقل از فعالی، ۱۳۷۶). بنیان‌نگرش پورسینا درباره‌ی اندریافت بر تجرید استوار شده است. وی اندریافت را چیزی جز «انتزاع حقیقت شیء» نمی‌داند. «ادراک این است که این طبیعت و صورت متشخص خارجی، تدریجاً تجرید شود و این تجرید و انتزاع، متناسب با مراحل مختلف طولی ادراک خواهد بود». شهاب‌الدین سهروردی تعاریف متفاوتی از ادراک بیان کرده که این تعاریف همگام با سیر تحول اندیشه‌های وی دچار دگردیسی و تکامل شده‌اند. وی نخست چنین می‌گوید: «بدان چون خواهی که چیزی ادراک کنی، باید صورت آن چیز چنان که هست در ذهن تو حاصل شود». سپس به «پذیرندگی اثر مدرک از مؤثر» اشاره دارد: «... و حقیقت ادراک آن است که مدرک، صورت مدرک به خویشتن پذیرد» (سهروردی، ۱۳۵۵، ۴۰۹). چون صورت آن چیز چنان که هست در نزد مدرک حاصل و حاضر شد، از او شکل می‌پذیرد. وی هم‌چنین در «حکمت‌الاشراق» نیز علم به پدیده را در گرو پذیرش اثر می‌داند. پس از آن در اثر دگرگونی در اندیشه‌اش تعریف نو و متفاوتی از اندریافت که برگرفته از اندیشه‌های فلسفی ایران باستان است بیان می‌کند که همان برابر نمایی اندریافت با «نور» است. به باور ملاصدراى حکیم حقیقت ادراک: «وجود مدرک (ادراک‌شونده) برای مدرک (ادراک‌کننده) به وجود صدوری نه حلولی» است (ملاصدرا به نقل از فعالی، ۱۳۷۶) ملاصدرا، اندریافت را فعل نفس و نسبت صور ذهنی به نفس را نسبت فعل به فاعل دانسته و قیام آن را به نفس، قیام صدوری و نه حلولی تلقی می‌کند؛ از دید ایشان صور ادراکی از ابداعات نفس است (فعالی، ۱۳۷۶؛ غفاری قره‌باغ، ۱۳۹۴). وی اندریافت را غیرمادی دانسته و آن را فرایندی انفعالی و انعکاسی نمی‌داند بلکه آن را آفرینش صورت اشیاء و پیدایش فراورده‌ای که با فعالیت آفرینشگرانه ذهن به‌دست می‌آید، می‌شمرد. این نگاه در «نظریه‌ی تعالی» و تبیین مراتب اندریافت از دید وی به روشنی نمود می‌یابد. ملاصدرا نیز به تطابق شناخت ذهنی با عین خارجی معتقد است و میان همه‌ی ادراکات انسان با واقعیات بیرونی رابطه‌ای برقرار می‌داند و بر آن است که معلومات و تصورات ما ریشه در حواس ما دارد (مختاری، ۱۳۹۹؛ غفاری قره‌باغ، ۱۳۹۴)

می‌یابد یا از جهان خارج به دست می‌آورد، مرزبندی کند (فاخوری و جر، ۱۳۷۳، ۵). از این‌رو بسیاری از فلاسفه در آثار خود به موضوع ادراک و مراتب آن اشاره داشته‌اند.

در پژوهش پیش رو از میان فلاسفه ایرانی آرای سه‌تن که نقش برجسته‌تری بر رشد جریان اندیشه‌ی فلسفی ایران‌زمین داشته‌اند بررسی شده‌اند: بوعلی سینا، شهاب‌الدین سهروردی و ملاصدراى شیرازی. بهره‌گیری از آرای فیلسوفان ایرانی و کاوش در اندیشه‌های سرزمینی برای بازشناسی مفهوم ادراک (اندریافت) و ویژگی‌های کاربردی آن در دانش محیطی هدف پژوهش پیش رو است.

روش انجام پژوهش

پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بوده که با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل و بررسی متون اصلی و نوشته‌های شارحان و مفسران بر اندیشه‌ی فیلسوفان گزیده به‌شیوه‌ی استدلال منطقی به استنتاج می‌پردازد. موضوع ادراک در دو بُعد ماهوی به سرشت و ویژگی‌های ادراک و بُعد رویه‌ای به ساختار و فرایند آن شامل مراتب و گام‌های ادراک پرداخته و سپس با استفاده از مفاهیم موجود در علوم محیطی و طراحی شهری و درهم‌نهادی و تناظربخشی میان مراتب و کیفیات مورد ادراک از محیط به مدل مفهومی رابطه‌ی انسان و شهر می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

نتایج پژوهش‌های پیشین بیان می‌دارد که آرای فلاسفه در زمینه تبیین مفهوم و تنظیم فرایند ادراک در مقایسه با نظریات روان‌شناسان محیطی سودمندترند (نقی‌زاده و استادی، ۱۳۹۲). روشن است که فلاسفه هیچ‌یک در باب «ادراک فضا و چگونگی آن» چیزی ننگاشته‌اند ولی بازنگری نظریات آنان و انطباق با مبانی نظری موجود در دانش محیطی و طراحی شهری دستاوردهایی را به شرح ذیل بیان می‌دارد.

تعریف ادراک (اندریافت)

ادراک، فرایند فهم و دریافت درونی است که کارکردهای گوناگونی شامل گزینش، سازماندهی، نگهداری، تفسیر و معنی‌بخشی را دربرمی‌گیرد. فرایند کلی اندریافت محیط دارای سه‌گام بنیادین و جدایی‌ناپذیر: احساس، ادراک و شناخت است و ادراک خود نیز دارای فرایندی درونی است. (فعالی، ۱۳۷۶؛ ایروانی و خداپناهی، ۱۳۸۰؛ پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۱؛ کارمونا، هیت، ترناک و تیسدل، ۱۳۸۸؛ لنگ، ۱۳۸۸).

• تعریف ادراک از دید فیلسوفان برگزیده

واکاوی اندیشه‌های فیلسوفان ایرانی با انتخاب کسانی بوده که نقش چشم‌گیرتری بر رشد فلسفه شرق داشته

فرایند ادراک (اندریافت)

روان‌شناسان محیطی فرایند کلی اندریافت محیط را دارای سه گام اصلی و جدایی‌ناپذیر احساس، ادراک و شناخت می‌دانند که خود دارای ریزفرایندهایی شامل فرایندهای حسی، فرایندهای ادراکی و فرایندهای شناختی است. از دید فلاسفه نیز ادراک خود به یک‌باره به‌دست نیامده «و مرجان مردم را دو روی است یکی رو سوی برسوست و یکی رو سوی این جهانست و قوت اندریافتش به سوی برسوست و نتوانیم قوت اندریافت مردم را پیدا کردن تا اقسام اندریافت‌ها را نگوئیم» (بوعلی سینا، ۱۳۳۱). پس اندریافت دارای گام‌هایی با ترتیب طولی است و با گذر از چهار مرتبه از حس تا عقل به شرح ذیل پدید می‌آید: ادراک حسی، ادراک خیالی، ادراک وهمی و ادراک عقلی.

«ادراک حسی» اولین مرحله ادراک بوده و با تأثیرپذیری عضو حسی صورت از ماده و بخشی از ویژگی‌های ظاهری منتزع می‌شود. پس از آن «ادراک خیالی» است که بدون ضرورت حضور شیء صورت ذهنی با انتزاع بیش‌تر، ادراک و در قوه متخیله نگهداری می‌شود. سپس «ادراک وهمی» است که ادراک معنا و حقیقتی نامحسوس و جزئی است. «ادراک عقلی» آخرین مرحله از فرایند اندریافت است که در آن انتزاع به مرحله کمال رسیده و ماهیت و حقیقت کلی هر چیزی ادراک می‌شود. ادراک وهمی به سبب ادراک مجردات و معنا با ادراک حسی و خیالی تفاوت ذاتی داشته و با ادراک عقلی دارای اشتراک است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۰ الف؛ علی‌زاده و زندی، ۱۳۸۸؛ غفاری قره‌باغ، ۱۳۹۴). گفتنی آن‌که براساس دانسته‌های امروزی گام‌های آغازین ادراک با احساس و گام‌های پایانی آن با شناخت متناظر است.

تجريد و تعالی

مراحل چهارگانه ادراک بر پایه نگرش پورسینا بنا به «تجريد» و بر پایه نظر ملاصدرا بنا به «تعالی» مرتبه‌بندی می‌شوند. دیدگاه تجريد بر پایه انتزاع و تعالی برگرفته از نظریه «حرکت جوهری» ملاصدرا است که در آن جواهر موجودات را نیز دارای حرکت روبه رشد می‌داند و از این‌رو همه کائنات از دید وی هر لحظه در حال تغییرند. وی عالم را تجلی حرکت جوهری می‌داند که در یک لحظه و برای همیشه آفریده نشده است بلکه هر دم از نو آفریده می‌شود (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۰ ب؛ فعالی، ۱۳۷۶؛ اکبرزاده، ۱۳۹۱؛ غفاری قره‌باغ، ۱۳۹۴).

عالم چون آب جوست بسته نماید ولیک

می‌رود و می‌رسد نو نو این از کجاست (مولوی)
براساس نظریه تعالی، نفس انسانی نیز دارای حرکت جوهری بوده و از پی هر مرحله ادراک رشد و توسعه وجودی یافته و کامل‌تر می‌شود و جوهر نفس او بر پایه صیورورت در حرکت

جوهری در تکامل خود شتاب می‌گیرد و صورت‌های جدید می‌پذیرد (تصویر ۱) (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۰ الف). پس با افزایش علم و آگاهی روح انسانی رشد یافته و هر روز دست‌اندرکار آفرینشی نو می‌شود.

بر پایه نظریه تعالی، در فرایند ادراک، صورت حسی در مرتبه محسوسات بدون تغییر باقی می‌ماند. قوه خیال از صورت حسی یک صورت عالی‌تر و متناسب با مرتبه خیال می‌سازد و صور حسی و خیالی هر کدام بی‌تغییر در مرتبه خود، زمینه را برای ایجاد صورت معقول فراهم می‌سازند و صور ذهنی وارد یک فرایند ارتقایی بدون تبدیل می‌شوند و در آن واحد هر چهار صورت آن می‌تواند موجود باشد (مختاری، ۱۳۹۹؛ فعالی، ۱۳۷۶؛ اکبرزاده، ۱۳۹۱؛ الوندیان و اله بداشتی، ۱۳۹۷).

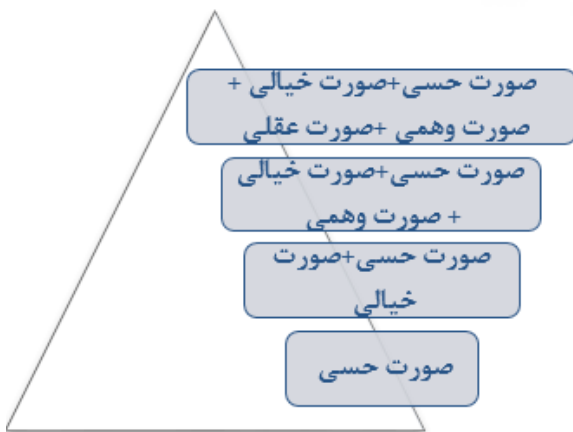
ادراک شهودی

افزون بر این چهارگونه، در آرای فلاسفه به‌گونه‌ای دیگر از ادراک با نام «ادراک شهودی» اشاره شده که دارای ویژگی‌های متفاوت با گونه‌های پیشین است. این نوع ادراک برخاسته از اندیشه‌های سهروردی و ناشی از تمایزی است که وی میان علم حصولی و علم حضوری دانسته و ادراک شهودی را دستاورد علم حضوری می‌داند. وی دریافت شهودی را برترین نوع معرفت می‌داند که راه بنیادین درک حقیقت وجود است و نیازی به ره‌سپردن در مراتب چهارگانه ادراک ندارد و پیدایی این نوع ادراک وابسته به میزان تجرد نفس است (هدایتی، ۱۳۹۳، ۲۲۰).

بحث

بعد ماهوی (سرشت ادراک)

واکاوی مفهوم ادراک از متون بررسی‌شده چهار ویژگی ماهوی ادراک را پدیدار می‌سازند:
۱. فرایندی‌بودن: فرایند را «مجموعه‌ای از کنش‌ها که میان



تصویر ۱. مراتب صدور صورت‌های ادراکی. مأخذ: نگارنده.

بازتولید صورت‌های ذهنی در مراتب ادراک، هم‌راستا با تکامل نفس است.

د) شهود عامل فراساختاری: در ادراک شهودی می‌توان فارغ از رتبه‌بندی طولی گام‌های ادراک، با پرش از گام‌های میانی یکسره به سطوح عالی‌تر دست یافت. نگرش شهودی را می‌توان یک «راهبرد فراساختاری» برای دستیابی به ادراک کامل معرفی کرد.

۲. اثرپذیری: یکی از ویژگی‌های قابل برداشت از تعریف فلسفی اندرینافت اثرپذیری است. «حقیقت ادراک آن است که مدرک صورت مدرک به خویشتن پذیرد» (سهروردی، ۱۳۵۵، ۴۰۹). اهمیت پذیرش اثر نزد فلاسفه به میزانی است که درستی ادراک را در گرو این اثرپذیری می‌دانند. «هنگام حصول ادراک اگر اثری از ادراک‌شونده بر ادراک‌کننده پدید نیاید حال مدرک نسبت به قبل از ادراک یکی است و این محال است» (همان). اثرپذیری می‌تواند دارای دو وجه اثرپذیری ذهنی و نیز اثرپذیری عینی باشد. هر دو سوی این اثرپذیری در رابطه ادراکی (اندریابای) انسان و محیط تغییر پدید می‌آورد.

۳. کنشگری (کنش تعاملی): از دید علوم محیطی ادراک، فرایندی فعال و کنشگرانه است (لنگ، ۱۳۸۸؛ سרمدی و همکاران، ۱۳۹۹). این ویژگی ذاتی ادراک در اندیشه‌های فلسفی نیز از راه کنش تعاملی در فرایند ادراک قابل تفسیر است. صدور گونه‌های مختلف صورت‌های ذهنی در مراتب ادراک به‌تنهایی گویای ویژگی کنشگرانه ادراک نزد فلاسفه است. نکته متمایز آرای فلاسفه در این باب بازنشاسی رابطه‌ای میان مرتبه وجودی نفس و جنبه فعال آن در فرایند ادراک است که بر میزان کنشگری ادراک دلالت دارد. در باب میزان کنشگری باید گفت در میان نوشته‌های پورسینا به وجود «رابطه منطقی میان ارتقای جنبه وجودی نفس و تنزل جنبه فعال آن (مختاری، ۱۳۹۹) اشاره شده که بیانگر رابطه معکوس میان مراتب نفس و میزان کنشگری آن است. کنشگری انسان را می‌توان به دو بخش کنش فیزیکی (بیرونی) و ذهنی (درونی) تفکیک کرد، در مراتب برتر (مرتبه عقلی) کنش فعالانه فیزیکی به کم‌ترین میزان خود می‌رسد درحالی‌که کنشگری ذهنی در بالاترین اندازه خود قرار دارد و در مراتب فروتر نفس (سطح جسمانی) بیش‌ترین میزان کنشگری فیزیکی و کم‌ترین میزان کنش درون‌ذهنی دیده می‌شود؛ پذیرش این انگاره در برپایی رابطه تعادلی پدیده‌ها در هستی چنین صورت‌بندی می‌شود که اگر هدف غایی حرکت‌های فعالانه جهان در رسیدن به تعادل دانسته شود. در این رابطه تعادلی، میزان کنشگری (عینی و ذهنی) در روند ادراک، مقداری ثابت است به‌گونه‌ای که با کم‌ترشدن میزان تحرک یک سوی رابطه، سوی دیگر در راستای

درون‌داد و برون‌داد رابطه منطقی برقرار می‌کنند (گلکار، ۱۳۷۸، ۲۳۶) می‌دانیم و ادراک به‌سبب روی‌دادن کنش‌های درون‌ذهنی ناشی از دریافت «داده‌های محیطی» و پردازش آن‌ها و دستیابی به برون‌داد «تصویر و معنای ذهنی» یک فرایند به‌شمار می‌آید که می‌توان با پرداختن به سه وجه فرایند شامل شیوه گردش، توالی گام‌ها و راهبردهای توالی آن را بررسی کرد.

الف) شیوه گردش: از میان شیوه‌های گردش فرایند به سه‌گونه خطی، چرخه‌ای و حلزونی، دیدگاه پورسینا درباره ادراک از نوع فرایند خطی و سهروردی از نوع چرخه‌ای است. اما نگرش ملاصدرا، گونه رشدیافته‌تری از فرایند را بیان می‌دارد که با گردش حلزونی (چرخه‌ای بالارونده) از حرکتی بازآفرینانه برخوردار است.

ب) توالی گام‌ها: مطالعات محیطی فرایند ادراک را دارای سه‌گام پی‌درپی احساس، ادراک و شناخت دانسته و از بازنشاسی زمینه کارکردی ویژه برای هر یک از گام‌ها گذر می‌کند (ایتلسون، ۱۹۷۶ به نقل از لنگ، ۱۳۸۸؛ فعالی، ۱۳۷۶؛ پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۱). در علوم محیطی فرایند ادراک، شناخت و گام‌های متوالی آن فاقد دسته‌بندی و نظم ساختاری روشن هستند. دلیل آن را شاید بتوان دشواری یا اساساً عدم ضرورت بازنشاسی مرزها برای گام‌های ادراک دانست. در متون طراحی شهری ادراک کیفیات محیط شهری به دوگونه ادراک کیفیات محسوس و کیفیات معقول آمده که برخاسته از جداسازی کیفیت‌های شناختی جهان به کیفیات محسوس و معقول است (گلکار، ۱۳۷۸؛ براتی، ۱۳۸۹؛ صدری‌کیا، بمانیان و انصاری، ۱۳۹۷؛ سרمدی، شاهچراغی و کریمی‌فرد، ۱۳۹۹). اما در میان اندیشه‌های فلسفی گام‌های ادراک، از مرتبه‌بندی روشنی همراه با برشمردن ویژگی‌ها، کارکرد و فراورده ذهنی هر گام به ترتیب‌های حسی، خیالی، وهمی و عقلی برخوردار است.

ج) عامل ساختاری در مرتبه‌بندی: در اندیشه‌های فلسفی «تجرید و تعالی» مهم‌ترین عامل تمایز گام‌های ادراک بوده و تمامی مراتب ادراک از ادراک حسی به خیالی، وهمی و عقلی، بر پایه میزان انتزاع یا تعالی صورت ذهنی بازنشاسی می‌شود. نگرش پورسینا بر پایه تجرید ادراک را چیزی جز انتزاع حقیقت شیء نمی‌داند که گام‌به‌گام و هم‌راستا با مراتب طولی ادراک روی خواهد داد. از این‌رو انتزاع، عاملی ساختاری برای بازنشاسی و رده‌بندی گام‌های ادراک است. به باور ملاصدرا، این عامل ساختاری تعالی است که در بازنشاسی گام‌های ادراک نقش دارد. در تعالی افزون بر بازآفرینی گام‌به‌گام صورت ذهنی، تکامل‌یابندگی تدریجی انسان و صورت ذهنی پدیدآورده توامان روی می‌دهد که گویای نوعی ساختارمندی درهم‌تنیده و برخاسته از تکمیل و

تعادل بخشی به رابطه ادراکی (اندریابای) بر کنشگری خود خواهد افزود. تصویر ۲ نشانگر این موضوع است.

▼ میزان کنشگری انسان / میزان کنشگری پدیده ▲

تصویر ۲. میزان کنشگری در رابطه ادراکی. مأخذ: نگارنده.

در دریافت‌های حسی محیط می‌توان چنین گفت ادراک شنیداری یا بویایی که برآمده از حرکت پی‌درپی امواج صوتی یا بو است از سوی انسان واکنشی غیرفعال به دنبال دارد. بو و صدا به شکل غیرارادی ادراک می‌شوند، اما در ادراک یک تصویر (بخشی از منظره ایستای شهر) که از میزان جنبش کم‌تری برخوردار است، ناظر کنشی فعالانه یافته و برای دریافت بیشتر ویژگی‌های دیداری محیط با انتخاب و تغییر زاویه دید، چرخش چشم و سر، به تحرک بیشتر می‌پردازد. هم‌چنین در دریافت ویژگی‌های بسودنی محیط، در رویارویی با بخش ایستای یک فضای شهری بایستی با بودن در فضا و لمس کردن آن به کنشی فعالانه دست زد. «شهر و معماری ایستاده‌اند و از بیننده انتظار حرکت دارند» (پالاسما، ۱۳۹۰). این کیفیات افزون بر ویژگی‌های محسوس، با تغییر از محیط عینی به ذهنی و نیز قابل تممیم به سایر مراتب ادراک است.

۴. پویایی و بالندگی: پویایی و بالندگی از دیگر ویژگی‌های سرشت ادراک است. رابطه ادراکی انسان و محیط ادراک تبدالی (روان‌شناسی محیط) رابطه‌ای پویا (لنگ، ۱۳۸۸؛ سردی و همکاران، ۱۳۹۹) و تصویر ذهنی هم‌چون برآیند فرایند ادراک دارای پویایی در طول زمان دانسته شده. در میان اندیشه‌های فلاسفه، پویایی ادراک با نظریه پویایی وجود شناختی نفس (پورسینا) و نظریه تعالی و بازآفرینی در فرایند ادراک (ملاصدرا) قابل تفسیر است. پورسینا نفس انسان را چونان «فاعل ادراکی» برخوردار از سرشت وجودشناختی پویا دانسته و سهروردی نیز با وابسته کردن ادراک شهودی به میزان تجرد نفس، ادراک را همگام با تکامل‌یابندگی نفس، پویا و بالنده می‌شمرد. در نظریه حرکت جوهری، ملاصدرا نیز جواهر همه موجودات دارای ماهیتی نایستا هستند که در فرایند ادراک، افزون بر خود، رابطه دوسوی آن یعنی انسان و محیط، دمام در فرایند بازآفرینی همیشگی هستند. پس در هر دم جهانی نو و انسانی نو و رابطه‌ای نوین پدید می‌آید و رابطه ادراکی هر دم در حال بازآفرینی سه‌سویه است.

بُعد رویه‌ای

در بُعد رویه‌ای، فرایند ادراک و مراتب آن به تفکیک مورد بازشناسی قرار می‌گیرد در این بخش قابلیت سازگاری این مراتب با اندریافت فضای شهری تحلیل می‌شود.

• بازشناسی مراتب ادراک (اندریافت) فضای شهری با بهره‌گیری از مراتب اندریافت از دید فیلسوفان و بهره‌گیری از مفاهیم و ویژگی‌های فضا می‌توان فرایند اندریافت فضای شهری را بدین شکل بازشناسی کرد:

مرحله نخست، ادراک حسی: ویژگی‌های ظاهری محیط از راه «حواس» دریافت می‌شود. «بودن در محیط شهری» شرط بنیادین پیدایش ادراک حسی است. پدیده ادراکی «جزئی» بوده و فرآورده با کم‌ترین انتزاع به شکل «صورت حسی» شامل کیفیات محسوس محیط «گزینش و دریافت» شده و به شکل «تجربه حسی» از محیط شهری ثبت می‌شود.

مرحله دوم، ادراک خیالی: بخشی از ویژگی‌های محسوس «بدون ضرورت حضور» به کمک «دریافت‌های درونی» فرد شکل می‌گیرد. پدیده ادراکی باز «جزئی» بوده و فرآورده «تصویر ذهنی» منتزع از کیفیات محسوس و نامحسوس «درآمیخته» با «دریافت‌های درونی» فرد است. «تصویر ذهنی» از فضا در ذهن، «سازماندهی و نگهداری» می‌شود. مرحله سوم، ادراک وهمی: ادراک وهمی ادراک «معنا» و حقیقت نامحسوس است و دو شرط «بودن در محیط و انطباق با ویژگی‌های ظاهری» حذف می‌شود. پدیده ادراکی «جزئی» بوده ولی بیش از ویژگی ظاهری «معنای» آن اندریافت می‌شود. در این مرحله با «انتزاع بیشتر» بخش چشم‌گیری از ویژگی‌های محسوس به سود برجسته شدن معنا از بین‌رفته و صورت ادراکی در این مرتبه معنای محتمل (مبهم) مکان است. کارکرد این بخش می‌تواند «معنابخشی احتمال‌گرایانه» قلمداد شود.

آخرین مرحله، ادراک عقلی: با انتزاع کامل ویژگی‌های محسوس «جوهر بنیادین» فضا اندریافت می‌شود. در این مرحله نه تنها «شرط بودن و انطباق با ویژگی‌های ظاهری که جزئی بودن پدیده» نیز منتفی می‌شود. پدیده ادراکی «کلی» (در مقابل جزئی) بوده و برون‌داد در «انتزاعی‌ترین حد» گسترش می‌یابد. با گذر از ویژگی‌های محسوس، معنای محیط ادراک می‌شود. کارکرد ویژه «تفسیر و معنی‌بخشی» بوده و برون‌داد مبتنی بر تصویر ذهنی بازنمایی شده و به شکل «طرح‌واره و الگو» از فضا نمود می‌یابد. در علوم محیطی این بخش از فرایند به سبب دستیابی به الگوواره ذهنی پایدار در گام شناخت جای می‌گیرد (جدول ۱). گفتنی آن‌که مراحل ادراک به تمامی در محیط ذهنی شکل می‌گیرد و گام‌ها ناشی از توالی زمانی نیست.

مراتب ادراک عقلی: در بخش ادراک عقلی که آخرین مرتبه از فرایند ادراک و شناخت است، معقولات مورد ادراک قرار می‌گیرند و خود براساس تقسیمات سه‌گانه معقولات دسته‌بندی

جدول ۱. مراتب ادراک و برون داد آن. مأخذ: نگارنده.

انواع ادراک	بودن در فضا	شروط تحقق		کارکرد اصلی	ماهیت پدیده ادراکی	فراورده ادراکی	برون داد محیطی
		در آمیختگی صفات	جزئی بودن				
ادراک حسی	■	■	■	گزینش و دریافت	جزئی و صورت	صورت حسی	تجربه حسی
ادراک خیالی	□	■	■	سازماندهی و نگهداری	جزئی و صورت	صورت خیالی	تصویر ذهنی (سازماندهی تصویر ذهنی)
ادراک وهمی	□	□	■	معنا بخشی احتمال گرایانه	جزئی و معنا	صورت وهمی	معنای محتمل محیط (تصویر ذهنی با معنای محتمل)
ادراک عقلی	□	□	□	معنی بخشی، تفسیر	کلی و معنا	صورت عقلی	طرح‌واره و الگو (تصویر ذهنی معنادار)

۱۳۸۴) و هم‌چنین در نسبت با دیگر وجوه اعم از شکلی و کارکردی از کیفیتی پایدارتر برخوردار است و این فرایند، معنا را به «کیفیتی دیرآی و دیرپای» بدل می‌کند. معنای مکان که دلالت بر جنبه کاملاً غیرعینی و فراگیرنده مکان دارد در زمره مفاهیم معقول است که در پایان راه و برترین مرتبه اندریافت قرار دارد. دسته‌بندی سه‌گانه معقولات به اول و ثانی منطقی و فلسفی، از پاره‌ای جهات هم‌سنخ با سطوح سه‌گانه معنای راپاپورت شامل معنای ابزاری یا دلالتی، معنای عاطفی و معنای انتزاعی است (همان).

نتیجه‌گیری

• مدل مفهومی رابطه ادراکی (اندربابای) انسان و محیط

نتیجه به دست آمده از این پژوهش به شکل یک مدل مفهومی که چگونگی رابطه ادراکی انسان با محیط خود (شهروند و محیط شهری) را بیان می‌دارد به صورت تصویر ۳ قابل صورت‌بندی است.

در کسب آگاهی انسان از جهان، شهر در میانه راه قرار گرفته است. در حقیقت ادراک انسان از شهر و محیط شهری گام میانه‌ای برای ره‌یافتن به درک آگاهانه از جهان هستی (در نسبتی بیرونی) یا ادراک از خویشتن خویش (در نسبتی درونی) است و تصورات از شهر از جهت پیوند با نظم آگاهانه هستی و انسان اهمیت می‌یابد (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰). پیدایش رویکرد ادراکی در طراحی شهری، افزون بر دستاوردهای ماهوی و رویه‌ای مؤثر بر جریان آفرینش مکان آرمانی، از آن‌رو که به بازشناسی راهی برای ادراک و شناخت «عالم واسط» (شهر) و تحکیم پیوند درونی و بیرونی انسان و کیهان پدید می‌آورد ارزشمند است.

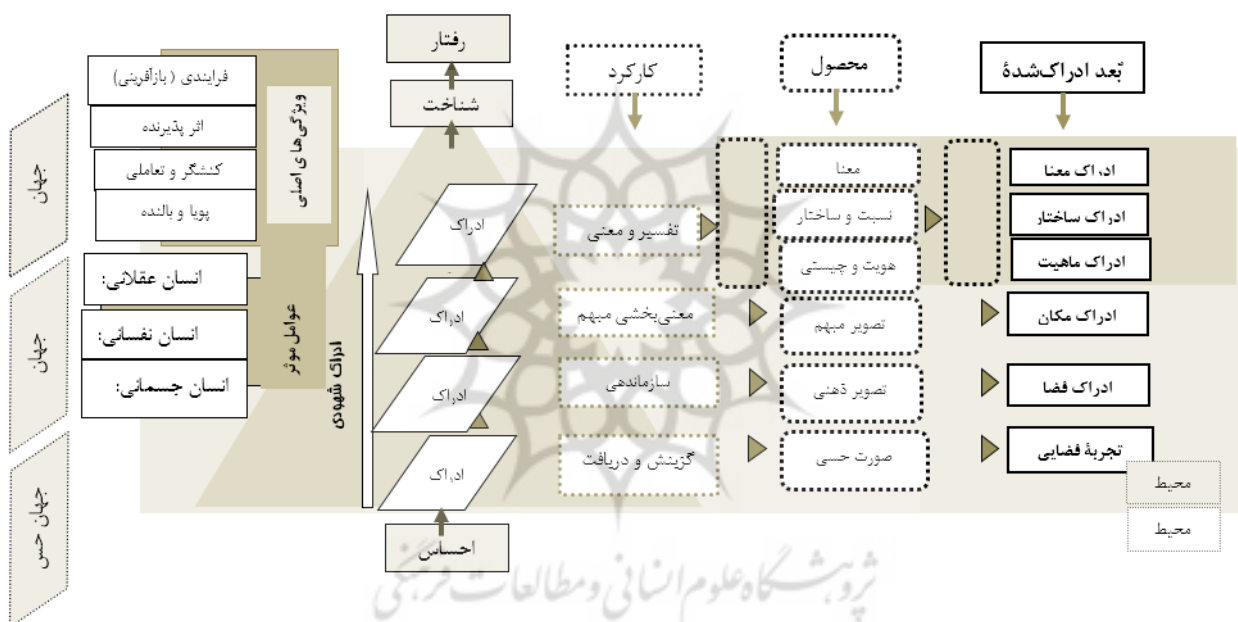
می‌شوند. روند ادراک کیفیات دریافتنی محیط شهری با معقولات نیز چنین منطبق می‌شود. معقول اول معانی مفاهیم کلی برگرفته از محسوسات مانند گونه، جنس، و دارای نمود بیرونی، بدیهی و غیراکتسابی‌اند. در ادراک محیط شهری از آن به چپستی یا ماهیت یک پدیده که گویای بخشی از صفات و ویژگی‌های ذاتی پدیده و عناصر سازنده هویت آن است گفته می‌شود و در فضای شهری با گونه فضای شهری مانند: میدان، خیابان و... هم نهاد است. معقولات ثانی که اکتسابی‌اند و قابلیت بازخوانی از طریق دریافتهای درونی و نمود بیرونی ندارند. شامل دو گونه‌اند: معقولات ثانی منطقی که ناشی از مقایسه دو یا چند گونه معقولات که در ادراک فضای شهری با کیفیت‌های مقایسه‌ای در نسبت یک پدیده با پدیده‌های دیگر تطبیق می‌یابد، کیفیت در نسبت (مقایسه‌ای) برگرفته از تشابه یا تفاوت مانند بزرگی و کوچکی، تباین، تشابه و یا ادراک ساختار پدیده می‌انجامد مانند پیوستگی، انسجام، هم‌پیوندی. اما معقولات ثانی فلسفی که شامل ادراک کیفیت‌های تعمیم‌یافته بالاترین میزان انتزاع را دارند، به مفاهیمی عالی‌تر اشاره می‌کند مانند: نظم، وحدت، زیبایی (جدول ۲).

• جوهر بنیادین فضای شهری: معنا کیفیتی دیرآی و دیرپای

یک پدیده در فرایند اندریافت گام‌به‌گام تجرید می‌شود تا جوهر بنیادین آن آشکار شود. از این‌رو آن بخش از محتوای اصلی محیط که در واپسین مرتبه از فرایند ادراک دریافت یا بازآفرینی می‌شود (صورت عقلی) جوهره بنیادین فضای شهری و پایدارترین مؤلفه فضا است. این جوهر بنیادین فضا، کیفیات معقول آن است که دلالت بر معنای آن دارد. «معنای مکان‌ها آخر از همه درک می‌شوند» (راپاپورت،

جدول ۲. مراتب ادراک کیفیت محیط شهری. مأخذ: نگارنده.

مراتب ادراک	فراورده ادراکی	دستآورد (برون داد) در محیط شهری
ادراک حسی	صورت حسی	تجربه فضای شهری
ادراک خیالی	تصویر ذهنی (صورت خیالی)	تصویر ذهنی از فضا
ادراک وهمی	صورت وهمی	تصویر ذهنی از مکان (احتمال‌گرایانه)
ادراک عقلی	بازآفرینی تصویر ذهنی (صورت عقلی): • معقول اول • معقول ثانی منطقی • معقول ثانی فلسفی	الگویا طرح‌واره (معنای مکان) • گونه فضای شهری: میدان، خیابان، گره (معنای دلالتی) • کیفیات قیاسی: اندازه، تفاوت و تشابه، تباین یا ساختاری: پیوستگی، انسجام و هماهنگی (معنای کارکردی) • کیفیات معنایی: نظم، خوانایی و زیبایی (معنای انتزاعی)



تصویر ۳. مدل مفهومی رابطه ادراک انسان و شهر. مأخذ: نگارنده.

عدم تعارض منافع

نویسنده اعلام می‌دارد که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برایش وجود نداشته است.

پی‌نوشت

۱. اندریافت واژه جایگزین ادراک است که بوعلی سینا در کتاب دانشنامه‌ی علایی به کار برده است.

فهرست منابع

- اردلان، نادر و بختیار، لاله. (۱۳۸۰). حس وحدت: سنت عرفانی در معماری ایرانی (ترجمه حمید شاهرخ). تهران: نشر خاک.
- اکبرزاده، حوران. (۱۳۹۱). تحلیل و بررسی فرآیند حصول ادراک عقلی از دیدگاه صدرالمتهلین. حکمت و فلسفه، ۸ (۳۰)، ۲۴-۷.

- الوندیان، معصومه و اله بداشتی، علی. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا درباره فرآیند ادراک عقلی. عقل و دین، ۱۰ (۱۹)، ۶۹-۸۸.
- ایروانی، محمود و خداپناهی، محمدکریم. (۱۳۸۰). روان‌شناسی احساس و ادراک. تهران: سمت.
- براتی، ناصر. (۱۳۸۹). ادراک محیط: نقش نسبیت‌های روان‌شناختی در فهم محیط. منظر، ۲ (۹)، ۳۴-۳۵.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۳۱). دانشنامه‌ی علایی، طبیعیات. تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی ۱۳. یادگار جشن هزاره ابوعلی سینا.
- پاکزاد، جهان‌شاه و بزرگ، حمیده. (۱۳۹۱). الفبای روان‌شناسی محیط برای طراحان. تهران: آرمان‌شهر.
- پالاسما، یوهانی. (۱۳۹۰). چشمان پوست: معماری و ادراکات حسی (ترجمه رامین قدس). تهران: گنج هنر پرهام نقش.

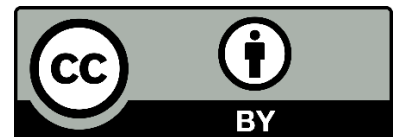
- ترجمه عبدالمحمد آیتی). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- فعالی، محمدتقی. (۱۳۷۶). ادراک حسی از دیدگاه ابن سینا. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- کارمونا، متیو؛ هیت، تیم؛ تنراک و تیسدل، استیون. (۱۳۸۸). مکان‌های عمومی، فضاهای شهری: ابعاد گوناگون طراحی شهری (ترجمه زهرا اهری، فریبا قرائی، اسماعیل صالحی و مهشید شکوهی). تهران: دانشگاه هنر.
- گلکار، کورش. (۱۳۷۸). کندوکاوی در تعریف طراحی شهری. تهران: نمین نوین تهران
- لنگ، جان. (۱۳۸۸). آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط (ترجمه علیرضا عینی‌فر). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مختاری، محمدحسین. (۱۳۹۹). بررسی ادراک حسی از دیدگاه ارسطو و ملاصدرا. خردنامه صدرا، ۲۵(۳)، ۳۱-۴۰.
- نقی‌زاده، محمد و استادی، مریم. (۱۳۹۲). مقایسه تطبیقی مفهوم ادراک و فرایند آن در فلسفه و روان‌شناسی محیط و کاربرد آن در طراحی شهری. پژوهش‌های معماری اسلامی، ۲(۲)، ۳-۱۴.
- هدایتی، حبیب‌الله. (۱۳۹۳). جایگاه ادراک شهودی از دیدگاه ابن سینا، سهروردی و صدرالمتألهین. تهران: شکوفه یاس.

- راپپورت، آموس. (۱۳۸۴). معنی محیط ساخته‌شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی (ترجمه فرح حبیب). تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- سرمدی، صدف؛ شاهچراغی، آزاده و کریمی‌فرد، لیلا. (۱۳۹۹). فرایند ادراک منظر بر پایه ادراکات حسی و عقلی. باغ نظر، ۱۷(۸۸)، ۲۷-۳۸.
- سهروردی، شهاب‌الدین. (۱۳۵۵). حکمت‌الاشراق، مجموعه مصنفات شیخ‌الاشراق. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم. (۱۳۸۰ الف). ترجمه اسفار اربعه سفر اول از خلق به حق (ترجمه محمد خواجوی). تهران: مولی.
- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم. (۱۳۸۰ ب). ترجمه اسفار اربعه از خلق به خلق (ترجمه محمد خواجوی). تهران: مولی.
- صدری‌کیا، سمیه؛ بمانیان، محمدرضا و انصاری، مجتبی. (۱۳۹۷). کیفیت ادراک معنای فضا با دریافت نور روز. هویت شهر، ۱۲(۳)، ۱۸-۱.
- علی‌زاده، بیوک و زندی، داوود. (۱۳۸۸). مطالعه تطبیقی کیفیت ادراک مفاهیم کلی از دیدگاه ابن سینا و صدرالمتألهین. پژوهش‌های فلسفی، ۱۵(۱۵)، ۷-۲۳.
- غفاری قره‌باغ، احمد. (۱۳۹۴). تبیین ادراک عقلی از دیدگاه حکمت متعالیه. آیین حکمت، ۷(۲۵)، ۸۹-۱۱۰.
- فاخوری، حنا و جر، خلیل. (۱۳۷۳). تاریخ فلسفه در جهان اسلامی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



DOI:10.22034/BAGH.2023.274099.4809
URL:https://www.bagh-sj.com/article_176557.html

نحوه ارجاع به این مقاله:
استادی، مریم. (۱۴۰۲). مدل مفهومی رابطه انسان و محیط شهری در فرایند ادراک بر پایه آرای فلاسفه ایرانی. باغ نظر، ۲۰(۱۲۴)، ۱۲-۵.

